

رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل

عبدالله متولی*

چکیده

پس از وقوع انقلاب مشروطیت فضای سیاسی و اجتماعی ایران به آرامش مطلوبی دست نیافت. ناپایداری سیاسی و سقوط پیاپی دولت‌ها، بر گستره بحران‌ها می‌افزود. آغاز جنگ جهانی اول و تأثیرگذاری آن بر ایران شرایط نامساعدی را در کشور پدید آورد. ناتوانی حکومت مرکزی در مهار بحران‌ها سبب شد تا افراد و گروه‌هایی، برای بهبود شرایط نامساعد جامعه خودانگیخته تحریکات ضد بیگانه و اصلاح‌طلبانه‌ای را آغاز کنند. نهضت جنگل با هدایت میرزا کوچک خان جنگلی با همین نگرش کار خود را در محدوده گیلان هم‌زمان با جنگ جهانی اول آغاز کرد. با گسترش فعالیت نهضت گردانندگان آن برای اشاعه تفکرات اصلاحی و انتقادی خود روزنامه‌های موسوم به جنگل را منتشر کردند. هرچند عمر این روزنامه طولانی نبود، در مدت یک‌سال و اندی که منتشر می‌شد دیدگاه‌ها و نگرش‌های جنگلی‌ها، عملکرد حکومت مرکزی، کارکرد چهره‌های سیاسی و اقدامات روسیه و انگلیس را معرفی، نقد، و ارزیابی می‌کرد. این پژوهش مهم‌ترین دغدغه‌های نویسندگان روزنامه و سطح دریافت آن‌ها را از شرایط جامعه بررسی و تحلیل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: نهضت جنگل، روزنامه جنگل، انگلیس، روسیه، اصلاح، حکومت مرکزی.

مقدمه

در سال‌های هم‌زمان با جنگ جهانی اول فضای داخلی ایران به شدت دچار نابسامانی و پریشانی بود. ناکارآمدی دولت‌های پس از مشروطیت در غلبه بر اوضاع، زمینه‌های

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک a-motevally@araku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۳

مساعدی را برای پیدایش برخی جنبش‌های سیاسی - اجتماعی مهیا کرد. براساس تعاریف برخی از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی سه عامل اساسی در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و سیاسی دخالت دارند که عبارت‌اند از: رفتار کنشگران (افراد)، ایدئولوژی (روابط)، و زمینه‌های اجتماعی (جامعه) (زاهد، ۱۳۸۱: ۷۱). کنشگران جنبش‌های اجتماعی را با رفتار خویش در زمان اجرا می‌کنند؛ ایدئولوژی با توجه به امکانات و محدودیت‌ها زمینه اجتماعی کنشگران و رفتارشان را در جهت اهداف جنبش وحدت می‌بخشد؛ زمینه اجتماعی میدانی برای واقعیت‌بخشیدن و آماده‌کردن کنشگران و ایدئولوژی است (همان: ۸۳).

در تعریف دیگری درباره جنبش‌های اجتماعی آمده است:

جنبش به معنی هیجان، حرکت مردمی، ناآرامی، کوشش جمعی برای رسیدن به هدفی روشن و به‌ویژه دگرگونی در بعضی نهادهای اجتماعی است (باتامور، ۱۳۶۶: ۷۵).

براساس این تعاریف می‌توان پدیداری نهضت جنگل را در سال‌های هم‌زمان با جنگ جهانی اول حرکتی سیاسی و اجتماعی تلقی کرد که ساختار و کارکرد آن با چهارچوب‌های ذکر شده همخوانی دارد. این حرکت در سال ۱۳۳۴ ق پایه‌گذاری شد، با فراز و فرودهایی بیش از ۷ سال ادامه یافت و در نهایت با ازدست‌دادن رهبر نهضت در سال ۱۳۴۰ ق به پایان رسید. در پیدایش این حرکت تأثیرگذار سه عنصر اساسی کنشگران و ایدئولوژی و زمینه‌های اجتماعی به‌خوبی مشهود است. کنشگر اصلی نهضت جنگل، میرزا کوچک خان، در این فرایند نقش اصلی را ایفا کرد و نه تنها خود در شرایط موجود جامعه دچار انگیزندگی شد، بلکه گروهی از افراد همفکر نیز در این مسیر با او همگام و هم‌پیمان شدند. آرمان‌های اسلامی - ایرانی عنصر ایدئولوژی بود که در بیانیه‌های نهضت جنگل نمود بارز و مشخصی داشت و نشان از پابندی‌های ایدئولوژیک این نهضت بود. نابسامانی وضع موجود در ایران در سال‌های پس از انقلاب مشروطیت نیز به‌خوبی زمینه‌های لازم را برای کنشگران حساس به شرایط اجتماعی پدید آورده بود. با این روند نهضت جنگل را باید پدیده‌ای اجتماعی - سیاسی تلقی کرد که زاینده شرایط و موقعیت زمانی خود بود. نهضت جنگل در کنار کارکردهای سیاسی - اجتماعی خود برای اشاعه دیدگاه‌ها و نگرش‌های نهضت در مقطعی به انتشار روزنامه‌ای موسوم به جنگل دست زد که هفته‌ای یک‌بار منتشر می‌شد. تصمیم نهضت به انتشار روزنامه حاکی از تمرکز آن‌ها بر افزایش دایره تأثیرگذاری نهضت و انتشار دیدگاه‌های خود بود.

عمر روزنامه جنگل در مقایسه با عمر نهضت کوتاه بود. در سال اول ۳۱ شماره منتشر شد

که شماره اول آن شعبان ۱۳۳۵ ق بود؛ روزنامه در سال دوم ۴ شماره منتشر کرد. این روزنامه به صورت چاپ سنگی و در منطقه کسما منتشر می‌شد. ابتدا غلامحسین نویدی کسمایی تحریریه روزنامه را اداره می‌کرد، اما از شماره دوم تا سیزدهم حسین کسمایی عهده‌دار تحریریه بود و با کناررفتن او نویدی مجدداً به تحریریه بازگشت (فخرایی، ۱۳۵۴: ۱۴۰). حسین کسمایی، از عناصر مؤثر در نهضت جنگل، فردی ثروتمند و تحصیل‌کرده فرانسه بود (شاکری، ۱۳۸۶: ۸۳). ظاهراً عامل اصلی جابه‌جایی کسمایی از تحریریه روزنامه انتشار مقاله‌ای در تمجید و حمایت از آلمان‌ها و عثمانی‌ها بود که زمینه‌ساز تبلیغات انگلیسی‌ها و روس‌ها بر ضد نهضت جنگل شد (همان: ۱۸۰).

روزنامه برای نشان‌دادن خط‌مشی اصلی خود شعار خاصی را سرلوحه قرار داد: «این روزنامه فقط نگهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است» (جنگل، اب: ۱). در بررسی محتوای مقالات و اخبار درج‌شده در کل شماره‌های روزنامه روح انقلابی و تکاپوی تحول‌خواهی سیاسی - اجتماعی مشهود است. در مطالب روزنامه جنگل نمی‌توان اسامی صاحب‌نام و شهیر یا برخوردار از دانش عمومی یافت و در بیشتر مواقع نوشته‌ها بدون نام یا با عنوان هیئت اتحاد اسلام درج شده‌اند، اما فضای کلی نوشته‌ها به دور از چهارچوب‌های زمان خود نبوده‌اند. تبیین فضای سیاسی - اجتماعی ایران، اخباری از تحولات جهانی به‌خصوص مسائل مربوط به جنگ جهانی اول، و همچنین مطالب ادبی و طنز از تنوع موضوعی این روزنامه حکایت می‌کند. اما در این نوشتار رویکردهای اساسی روزنامه نسبت به مسائل داخلی ایران در چهار محور عمده بررسی می‌شود: محور نخست مواضع روزنامه درباره بنیان‌های سیاسی ایران و لزوم اصلاح ساختار سیاسی را تبیین می‌کند؛ در محور دوم عملکرد روسیه و انگلیس نسبت به ایران با توجه به شرایط بین‌المللی بررسی می‌شود؛ در محور سوم، نگرش‌های ایدئولوژیک نهضت به‌ویژه در قالب مؤلفه‌های ملی - مذهبی تشریح می‌شود؛ و محور چهارم، اخلاقیات اجتماعی و لزوم مبارزه با فساد را جست‌وجو می‌کند. سؤال عمده این پژوهش این است که آیا روزنامه جنگل در ریشه‌شناسی نابسامانی سیاسی - اجتماعی ایران به الگویی منسجم دست یافت؟ دیگر این که آیا روزنامه توانست راهکارهای شفاف و مشخصی برای برون‌رفت از شرایط موجود ارائه دهد؟

نظم سیاسی موجود و نظم سیاسی مطلوب

از تفاوت‌های بارز انقلاب با نهضت، تفاوت نوع خواست‌های آن‌هاست. انقلاب طرحی از

دگرگونی رژیم یا زیر و روکردن رژیم به نفع قدرت جدید را دنبال می‌کند و به همین علت با نهضت که ناشی از نارضایتی است و با هدف برطرف کردن بعضی نارسایی‌ها شکل می‌گیرد، متفاوت است (روشه، ۱۳۶۶: ۲۲۴).

از بنیادی‌ترین مباحث در سلسله نوشتارهای روزنامه جنگل تلاش برای ارائه تصویری روشن از شرایط نامطلوب ساختار حکومتی و ارائه راهکارهای برون‌رفت از این موقعیت بحرانی است. در نظام فکری روزنامه چهارچوب نظری حکومت مستقر، الگوی مطلوب و مقبول است، اما در چرخه اجرایی، نابسامانی و بی‌اعتدالی و نقایص فراوانی به چشم می‌خورد. شاید اعتنا و پایبندی جنگلی‌ها به چهارچوب سیاسی موجود، که پس از انقلاب مشروطیت پدید آمده بود، سبب شد تا نهضت جنگل براساس رویکردهای روزنامه الگوی بدیلی ارائه نکند و فقط انتقاد خود را مستقیماً به مجریان و شیوه‌های اجرایی آنان معطوف کند. در سلسله نوشتارهای انتقادی روزنامه می‌توان مواردی یافت که پایبندی جنگلی‌ها را به نظام مشروطه و ملزومات آن نشان می‌دهد:

مرام هیئت اتحاد اسلام حفظ استقلال اسلام و ایران و استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی است (جنگل، ۲۷ ب: ۸).

در جایی دیگر با تبیین ویژگی‌های مطلوب برای جامعه ایران، شکل آرمانی حکومت را معرفی می‌کند که در تناسب جدی با نظام مشروطیت است:

۱. سریر سلطنت مشروطه ایران و پادشاه جوان‌بخت که بر طبق قوانین اساسی و جاری مملکت مراقب و مواظب باشند، چنان‌که به قدر مقدور هستند. ۲. دارالشورای کبری و پارلمان وطن تا منتخبین ایالات و ولایات کافی و لایق باشند که اصل اصیل اصلاحات را وطن از آن‌ها درخواست نماید. ۳. هیئت معظم کابینه وزراء، که زمام مهم کشور و علت‌العلل نیک‌بختی و بدبختی هر دولت و ملت از آن ناحیه است (جنگل، ۴: ۱).

تأکید مکرر بر سه رکن اساسی نظام مشروطیت که باید «دارای نماینده سریر سلطنت و قوه مقننه و هیئت مجریه باشد» (جنگل، ۷ الف: ۱) نشان‌دهنده پایبندی عملی نهضت به اصول اساسی مشروطیت بود. نویسندگان روزنامه، به سبب این‌که به اشکال مختلف و با انتقادات متعدد در زمره مخالفان نظام مشروطه قلمداد می‌شدند، در تلاش بودند برای منتفی کردن این یورش‌های قلمی و زبانی تابعیت خود را از نظام قانونی کشور منعکس کنند. مکانت و جایگاه شاه در رویکردهای روزنامه مورد مهم دیگری است که در مقالات متعدد به آن توجه و تأکید شده است. جنگلی‌ها فعالیت خود را در قلمرو قانون مملکتی

می دانستند و سعی داشتند به ملزومات آن نیز پایبند باشند. پذیرش احمدشاه، شاه قانونی مملکت، تعریف و تمجید از او، دوردانستن او از پلیدی‌های سیاسی، و تمسک به او برای حل معضلات جامعه عمده مطالبی است که در برخی مقالات مشهود است:

جنگلی‌ها می‌گویند باید تاج و تخت قدیم ایران از مختصات شاهنشاه حریت‌پرور سلطان احمد شاه بوده و این سلطان جوان‌بخت دارای سطوت و ابهت شه‌پریان بزرگ عجم باشد (جنگل، ۱۳ الف: ۲) جنگلی تمرّد و عدم اطاعت شاهنشاه حریت‌پرور ... را ذنب لایغفر می‌داند (همان: ۳).

کاربرد وسیع عبارت «پادشاه محبوب و صدیق و ایران‌دوست» (جنگل، ۴: ۳)، ممکن است نشانی از تمایلات قلبی آن‌ها به شخص شاه باشد؛ در عین این که به نظر می‌رسد آن‌ها شاه را نماد وحدت ملی نیز تلقی می‌کردند. برگزاری جشن تاج‌گذاری احمدشاه در فومن و: «قرائت خطابه‌های مهیج و ترانه‌های وطنی و سرودهای ملی و دعا به ذات اقدس ملوکانه» نشان‌دهنده این رویکرد جنگلی‌هاست (جنگل، ۳ الف: ۵). در کنار این تعلقات و بیان الزام جنگلی‌ها به این که باید «ذات اقدس شاهانه را مقدس بشمارد» (جنگل، ۲۵: ۲)، در مواقعی که به اوضاع و احوال کشور انتقادهای تندی وارد می‌کردند، کوشش داشتند شخص شاه را در این نابسامانی شریک نکنند و حداقل، تقصیر او را به گردن دیگران بیندازند:

اگر به این آرزو نایل شدیم [آگاه‌کردن شاه نسبت به دخالت اوضاع کشور] و شخص شاهانه از اوضاع جاریه مسبوق گردند خواهیم دید که ذات پادشاهی بیش از هر ایرانی فداکار برای استخلاص مملکت و دفع شر اجانب ... با تمام قوا قیام خواهند کرد (جنگل، ۲۷: ۱).

همین اعتقاد آن‌ها را واداشت که در چندین مرحله شرایط موجود جامعه را برای شاه توصیف کنند و او را به تحرک و مداخله بیشتر در امور وادارند. در تلگرافی که به وسیله مستوفی‌الممالک برای احمدشاه ارسال کردند سعی داشتند شاه را از مقام و جایگاهش آگاه سازند: «ذات اقدس شاهنشاه را مستحضر می‌نماید که تاج و تخت قدیم ایران و سلطنت شخص اعلیحضرت بازیچه انگلیس و خیانتکاران داخلی گشته است»، و در ادامه مشکلات ناشی از مداخله انگلیسی‌ها، عملکرد نامناسب درباریان، اوضاع اسفناک مردم، قحطی، و مشکلات مالی جامعه را به شاه گوشزد کردند و در پایان نیز با ابراز شاه‌پرستی خود یادآور شدند که این کار را فقط برای اصلاح امور و ادای وظیفه و بقای تاج و تخت اعلیحضرت

انجام داده‌اند (جنگل، ۱۸ ب: ۵). در شماره بعد روزنامه ظاهراً به سبب تن دادن شاه به تغییر در کابینه قلم و زبان آن‌ها نسبت به شاه رنگ و بوی انتقادی گرفت که شاید از محدود موارد انتقادات روزنامه به شاه است. نویسنده این مقاله شاه را به وظایف شرعی و قانونی‌اش توجه می‌دهد:

ذات مقدس شاهانه که بیش از همه علاقه‌مند به این آب و خاک است ... حراست این همه ودایع الهیه را در پیشگاه خداوندی به مضمون کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت عهددار و قانون اساسی هم حفظ حقوق ملت را به ذات اقدسشان تقدیم داشته. در این تصمیم ملوکانه و تعیین این کابینه غیرمتجانس ... چه مقصودی را تعقیب می‌فرمایند؟ آیا صدمه و خسارتی که از این عناصر ... ناخلف وطن ظاهر می‌شود بیش از همه به شخص اقدس ملوکانه متوجه نیست؟ ... در چنین حالی یک چنین تصمیمی هر ناظری را بلا شبهه به تحیر مصادف می‌کند (جنگل، ۱۹: ۳-۴).

نحوه شکل‌گیری کابینه‌ها و اعضای آن‌ها از دیگر مسائل مهم سیاسی بود که روزنامه به آن نگرشی انتقادی داشت و با حساسیت آن را پیگیری می‌کرد. هم‌زمان با انتشار روزنامه جنگل، به جز چند شماره آخر آن، دولت در دست محمدعلی خان علاءالسلطنه بود (ضرغام بروجنی، ۱۳۵۰: ۱۰۲)، این کابینه در یک مرحله مجبور به ترمیم شد و در نهایت پیش از اتمام سال سقوط کرد و عین‌الدوله رئیس‌الوزرا شد که عمر کوتاه دولت او با چند شماره پایانی روزنامه جنگل همراه بود. کابینه علاءالسلطنه با اوج بحران‌های سیاسی ناشی از تبعات جنگ جهانی اول در ایران هم‌زمان بود. شخص رئیس‌الوزرا نیز ظاهراً به سبب کهولت سن امکان اداره مستقیم دولت را نداشت و امور اجرایی در اختیار میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک، وزیر مشاور، بود (عاقلی، ۱۳۷۰: ۲۱۷). به نظر می‌رسد عمق بحران‌های سیاسی و اقتصادی - اجتماعی به حدی بود که در عمل برخی اقدامات مقطعی این دولت نیز حرکتی روبه‌جلو نبود؛ بنابراین برای غلبه بر مشکلات تغییراتی در ترکیب وزرا ایجاد شد، اما این تلاش‌ها مفید نبود و با سقوط دولت دوره پنجاه روزه عین‌الدوله آغاز شد.

نگرش گردانندگان روزنامه جنگل به این کابینه‌ها تلفیقی از حمایت و مطالبات متعدد بود. کمابیش در اکثر شماره‌های روزنامه توجه نویسندگان به مسئله کابینه معطوف بود و مواضع آن‌ها درباره ساختار هیئت وزرا شامل تأیید کلیت هیئت وزرا، تمجید از برخی وزرا، و انتقاد از تعدادی دیگر می‌شد. اما درباره مطالبات روزنامه، به نظر می‌رسد که درخواست‌های جنگلی‌ها محدود به برخی کلی‌گویی‌ها و مسائل روزمره و بی‌بهره از طبقه‌بندی و عمق و وضوح لازم بود.

آغاز انتشار روزنامه کمابیش با معرفی دولت محمدعلی خان علاءالسلطنه هم‌زمان بود. ظاهراً مجریان روزنامه با درج اسامی وزرا از تشکیل چنین کابینه‌ای خوشنود بودند. اهمیت موضوع برای هیئت اتحاد اسلام به‌گونه‌ای بود که مدرسه کسما موسوم به مدرسه اسلامی به مناسبت معرفی هیئت وزرا جشنی برگزار کرد:

وقتی که خبر تشکیل کابینه جدید ملی به ریاست حضرت اجل اعظم پرنس علاءالسلطنه و عضویت وزرای وطن‌پرست مفصله الاسامی ذیل در کسما شهرت پیدا کرد ... تمام شاگردان زنده‌باد ممتد و طولانی کشیدند (جنگل، ۲: ۷).

آنچه توجه جنگلی‌ها را به این موضوع جلب می‌کرد این بود که کمابیش تمامی افراد این کابینه براساس طبقه‌بندی روزنامه از رجال خوب و فاسد، از افراد خوشنام و مفید به‌حال کشور محسوب می‌شدند:

... این ایرانی است که امروز فقط در مرکز وطن و پایتخت امثال پرنس علاءالسلطنه، مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، مستشارالدوله و ... چندین نفر دیگر رجال محبوب ملت ... را دارد که به تفاوت مراتب ایران به وجود آن‌ها افتخار دارد (جنگل، ۴: ۲).

دلبستگی روزنامه به عملکرد و حسن نیت اعضای این دولت تا زمانی که بحث ترمیم آن مطرح شد همچنان ادامه یافت. تعریف و تمجید از عملکرد این کابینه در بخش‌های متعدد روزنامه مشهود است:

در کابینه حاضر اشخاص فعالی وجود دارند مثل آقای مستوفی‌الممالک که تحصیل‌کرده فرانسه و آقای مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک که در روسیه دوره دارالفنون را دیده‌اند و آقای حاج محتشم‌السلطنه که شخص کاردان و غیرت‌مندی است (جنگل، ۹ الف: ۴).

تعلق خاطر به این اعضا سبب شد تا جنگلی‌ها تابعیت محض خود را از دولت اعلام کنند:

مقصود ما از تمام فداکاری‌ها آن است که تمام گیلان از دل و جان مطیع و منقاد اوامر واجب‌الاطاعة دولت باشند و گیلان اولین نقطه باشد که در صحت عمل و درستکاری سرمشق سایر ایالات و ولایات باشد (جنگل، ۶ الف: ۷).

در بخش دیگری از روزنامه به انحای مختلف تلاش شده است تا از عملکرد مستوفی‌الممالک حتی در دوره‌های قبل از رئیس‌الوزرای حمایت شود. به‌رغم آن‌که ریاست دولت در اختیار علاءالسلطنه بود، طرف سخن روزنامه در تمامی نوشته‌ها و مکاتبات شخص مستوفی بود که حاکی از ضعف علاءالسلطنه در اداره دولت و تعلق خاطر

جنگلی‌ها به مستوفی و دل‌بستن به کارکردهای اوست. اما علاءالسلطنه ناگزیر تغییراتی در هیئت وزرا پدید آورد و قوام‌السلطنه را که سخت مورد تنفر جنگلی‌ها بود برای تصدی وزارت داخله معرفی کرد.

ورود قوام‌السلطنه به هیئت وزرا با عکس‌العمل شدید روزنامه جنگل مواجه شد. براساس طبقه‌بندی روزنامه از چهره‌های خوشنام و بدنام، قوام‌السلطنه و برادرش وثوق‌الدوله بسیار بدنام بودند. به همین سبب در چندین شماره از روزنامه به عملکرد این دو نفر به شدت اعتراض کردند:

کابینه محبوب ما پس از یک رشته زلزله و بحرانی که عموم علاقه‌مندان به این آب و خاک را تهدید به انحلال می‌کرد علی‌رغم آمال وطن‌خواهان و مطابق آرزوی بدبینانی که لزوم ترمیم کابینه را به انواع سفسطه و لجاج جاهلانه ثابت می‌کردند بالاخره به عضویت یک عضو فاسد (قوام‌السلطنه) اصلاح گردید (جنگل، ۱۷: ۱).

در ادامه این مقاله با اشاره به کابینه قبلی مستوفی‌الممالک، که به‌رغم خدمات درخشان با عضویت دو عنصر فاسد یعنی فرمانفرما و سپهسالار ساقط شد، با انتقاد شدید از اعمال و رفتار قوام‌السلطنه یادآور شدند که این کابینه نیز به‌سبب رفتار قوام‌السلطنه در نهایت سقوط خواهد کرد (همان: ۴). پیش‌بینی روزنامه به وقوع پیوست؛ چون کابینه علاءالسلطنه پس از ورود قوام‌السلطنه به کابینه در محرم ۱۳۳۶ ق بیش از یک ماه دوام نیاورد و در صفر همان سال سقوط کرد (عاقلی، ۱۳۷۰: ۲۱۷).

پس از مدتی بحران ناشی از سقوط این دولت، در نهایت احمدشاه عبدالمجید خان عین‌الدوله را مأمور تشکیل دولت کرد. در کابینه جدید نه‌تنها قوام‌السلطنه در سمت وزیر داخله حضور داشت بلکه برادرش وثوق‌الدوله نیز، که سخت مورد تنفر جنگلی‌ها بود، برای تصدی وزارت علوم و اوقاف معرفی شد. این ترکیب باعث شد تا روزنامه در مقابل آن‌ها موضع‌گیری کند و لندن را عامل سقوط دولت قبلی و باعث شکل‌گیری و معرفی برخی از وزرای جدید بداند و ناهمگونی ویژگی‌های شخصیتی وزرا را عامل ناکامی دولت جدید قلمداد کند:

کابینه آقای عین‌الدوله با اعضای متباین‌العقیده و اشخاص متخالف‌السلیقه تشکیل گردید رشادت کدام دست، قدرت و مهارت کدام استاد ماهر جمع بین‌الاضداد نمود ... آیا یک همچو کابینه مختلط می‌تواند دردهای ما را دوا نماید (جنگل، ۱۹: ۱-۳).

در ادامه اشاره می‌کند که چون دو عنصر صحیح و فاسد نمی‌توانند برخلاف مسلک خود رفتار کنند و تغییر ماهیت دهند باید:

عبدالله متولی ۱۰۳

منتظر باشیم که بحران‌های پی‌درپی شروع گشته و این مملکت محتاج ما هم تا چندی تزلزل و محروم از اصلاحات لازم گردد (همان).

تحلیل و برداشت جنگلی‌ها در این مرحله نیز مصداق یافت؛ زیرا عمر این دولت به پنجاه روز نرسید و ساقط شد.

علاوه بر مواضع روزنامه نسبت به ساختار هیئت وزرا مطالبات جنگلی‌ها از دولت وقت هم در مقالات متعدد روزنامه بیان شده است. به نظر می‌رسد عمده خواست‌های جنگل از کابینه‌ها شامل برگزاری سریع انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی، حذف عناصر فاسد و وابسته، خلع حکام ستمگر، و تعیین حکام درستکار برای ایالات و ولایات می‌شد (جنگل، ۱ ج: ۲).
ظاهراً تأکید بر انتخابات مجلس بیش از سایر امور برای روزنامه مهم بوده و در اکثر شماره‌ها به آن اشاره شده است. در اولین شماره از روزنامه بر حسن اجرای انتخابات تأکید شده است:

... آری اولین قدمی که برای حسن جریان انتخابات لازم بوده و می‌باشد ... همانا تغییر حکام و رؤسای سابق و سلب اقتدارات غیرمشروعاً ایشان می‌باشد (جنگل، ۱ ب: ۲).

تعلق خاطر صاحبان روزنامه به میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک مانع توقف فشار برای برگزاری انتخابات مجلس نبود؛ به سبب این‌که از نظر آنان تشکیل مجلس می‌توانست بخش زیادی از مشکلات کشور را برطرف کند.

... اگرچه هیئت دولت متبوع ما به وظایف خود آگاه و خیریند لکن برای ضیق وقت استدعای فدویان آن است هرچه زودتر ... برای شروع به انتخابات و کلاهی مجلس مقدس هم که قلوب ایرانیان تشنه آن است ... توجهی فرمایند (جنگل، ۶ الف: ۷).

به نظر می‌رسد جنگلی‌ها مجلس را مانعی برای انعقاد برخی قراردادهای امتیازات غیرقانونی، و به‌ویژه کسب امتیازات بین‌المللی پس از جنگ جهانی می‌دانستند و اهمیت آن را برای نظارت و پیشبرد مقاصد عمومی کشور به‌خوبی درک می‌کردند.

اینک با اندامی مرتعش دورادور منظره یأس و ناامیدی را مشاهده می‌کنیم که آیا هنگام صلح ما هم دارای پارلمان خواهیم شد که قادر به استفاده باشیم؟ آیا در ردیف ملل حیه به‌شمار خواهیم رفت؟ آیا از آن نمدها که ما کلاهی خواهد رسید؟ (جنگل، ۱۰: ۴).

علاوه بر این، جنگلی‌ها با اعلام موضع نسبت به کسانی که به مجلس وارد می‌شدند تلاش داشتند از انتخاب افراد فاقد صلاحیت لازم برای ورود به مجلس ممانعت کنند:

لازم به شرح نیست که این دوره چهارم تقنینیه حیات و ممات ملت ایران فقط بسته به وکلا و نمایندگان است که تعیین می‌نماییم. اگر چشم و گوش خود را باز نموده گول طاران و عوام‌فریبان را نخوریم ممکن است موفق به تعیین نمایندگان صادق و صحیح‌العمل شویم (جنگل، ۳ ب: ۴).

دقت روزنامه در عزل و نصب حکام و تأثیرگذاری بر دولت در تعیین حکام به‌خصوص حاکمان گیلان از موارد مهمی بود که در صفحات متعدد روزنامه به آن اشاره شده است. این خواست به اشکال گوناگون از دولت مطالبه می‌شد:

حاکم یک شهر و بندر معظم مثل رشت نباید به ساز اهالی برقصد و از آن طرف حاکم نباید به‌غیر از اجرت قانونی ماهی مبلغ هنگفت دخل غیرمشروع برای شهوت‌رانی خویش تهیه کند (جنگل، ۶ ب: ۶).

در شماره دیگری با ارسال تلگراف مفصلی به مستوفی‌الممالک ضمن برشمردن خواست‌های جنگلی‌ها، از بی‌توجهی دولت به نظم گیلان انتقاد نموده و خواستار اقدام سریع درخصوص تعیین حاکم و رئیس عدلیه برای این منطقه شده است (جنگل، ۲۱ ب: ۶). این مطالبات که به اشکال و قالب‌های گوناگون مطرح می‌شد در بیشتر مواقع قرین توفیق نبود، یا به تعویق می‌افتاد. در مواردی نیز جنگلی‌ها به‌سبب ناهمخوانی حکام منصوب دولت با معیارهای مورد نظرشان از پذیرش آن‌ها سر باز می‌زدند. هرچند مطالباتی که جنگلی‌ها در قالب مکتوبات و تلگراف‌هایی به مرکز ارسال می‌کردند بعضاً مبهم و آشفته بود، در مواردی از دقت و تیزبینی آن‌ها حکایت می‌کند و نشان‌دهنده آن است که برخی از نقایص و کاستی‌های موجود را به‌خوبی درک کرده بودند. آن‌ها در این نوشته‌ها بارها دولت را به اصلاحات ترغیب کردند، اما معنای دقیقی از مفهوم اصلاحات ارائه نکردند. شاید به همین سبب رفتار آن‌ها در مرکز با خوش‌بینی نگریسته نمی‌شد و بیش از آن‌که گروهی مصلح تلقی شوند جنبه‌های خودسری و نافرمانی آن‌ها نمایانده می‌شد.

تحلیل عملکرد روسیه و انگلیس در شرایط بین‌المللی

عملکرد دو قدرت روسیه و انگلیس در ایران به‌خصوص در بحبوحه جنگ جهانی اول از مهم‌ترین دغدغه‌های روزنامه جنگل بود. این روزنامه با بررسی و تحلیل شیوه‌های استعماری این دو قدرت به اقدامات انگلیسی‌ها برای رسوخ در بنیان‌های سیاسی - اقتصادی جامعه ایران به‌شدت انتقاد می‌کرد. به‌سبب هم‌زمانی انتشار روزنامه جنگل با انقلاب

بلشویکی روسیه، نوع نگرش و مواضع جنگلی‌ها درباره دولت بلشویک جنبه متفاوتی یافت، اما کمابیش در همه شماره‌های روزنامه سیاست انگلیسی‌ها نکوهیده می‌شد. با توجه به تحلیل‌های روزنامه به نظر می‌رسد مواضع جنگلی‌ها درباره انگلیس کمتر تغییر می‌کرد و درک آنان از سیاست‌های سلطه‌گرانه بریتانیا جنبه واقعی و ملموس داشت. به‌زعم جنگلی‌ها بخش عمده‌ای از مشکلات و نابسامانی‌های جامعه ایران ریشه در اعمال نفوذ انگلیسی‌ها داشت که برای حفظ منافع خود به بحران‌های موجود دامن می‌زدند. ظاهراً روزنامه راه برون‌رفت از این شرایط را اقدام انقلابی و قیام برضد سلطه اجانب به‌ویژه انگلیسی‌ها می‌دانست تا راه دخالت و نفوذ آنان بر مقدرات کشور مسدود شود. جنگلی‌ها با مرور پیشینه تاریخی حضور انگلیسی‌ها در ایران معتقد بودند که آن‌ها با سیاست مزورانه راه نفوذ خود را به ایران هموار کردند:

رفتار آن‌ها با ایران در ظاهر از روی صلح و مسالمت بوده است و در آغاز مشروطیت به اسم حمایت از ملت احساسات عامه را به خود جلب کرده و به همین اظهار مساعدت دروغی در انجام مقاصد خود موفقیتی حاصل نموده و مردم ایران غافلانه او را دوست و حامی تصور می‌نمودند (جنگل، ۱۸ الف: ۲).

در ادامه این مطلب آمده است که انگلیسی‌ها با اتکا بر همین شیوه قرارداد ۱۹۰۷ را با روسیه منعقد و ایران را بین خود تقسیم کردند:

به همین دلیل بایستی گفت بریتانی ظالم است، بریتانی حق‌کش است، بریتانی دشمن عدالت است، بریتانی خصم ملل مظلومه است، بریتانی یک قرن است مثل عجایز به جان ما افتاده است (جنگل، ۱۶ ب: ۳).

در جایی دیگر با اشاره به قرارداد ۱۹۰۷ و حضور رسمی انگلیسی‌ها در جنوب کشور، هشدار می‌دهد که آن‌ها درصددند جنوب ایران را همانند هندوستان به خاک خود الحاق کنند، سپس علل علاقه‌مندی انگلیسی‌ها به جنوب را چنین توضیح می‌دهد:

جنوب ایران از برای انگلیسی‌ها که چشمشان را بدان نقطه دوخته‌اند از جهت معدنیات خاصه زغال‌سنگ، ... معدن نفت ... که اگر بتوانند استخراج نمایند به موقعیت بادکوبه سخت ضربه خواهد رسید، حائز اهمیت است (جنگل، ۹ ب: ۶).

تحلیل روزنامه نه تنها متوجه معادن جنوب است بلکه به موقعیت جغرافیایی آن منطقه نیز تأکید می‌کند؛ به نظر می‌رسد جنگلی‌ها هوشیارانه به موقعیت و اهمیت خلیج فارس در معادلات سیاسی و اقتصادی آینده اشراف داشتند:

جنوب ایران بیشتر از ملاحظات اقتصادی، موقعیت فوق‌العاده بودن اوست که انگلیسی‌ها را تشنه این خاک کرده است. انگلیسی‌ها خوب می‌دانند که خلیج فارس در آینده خیلی نزدیک تا چه درجه دارای رول بزرگی خواهد شد (همان).

هرچند تحلیل روزنامه از رفتار و عملکرد انگلستان واقع‌بینانه و هوشیارانه بود، به‌نظر می‌رسد متأثر از فضای موجود سیاسی و بغض نسبت به انگلستان از تحلیل واقع‌بینانه درباره عملکرد آلمان‌ها بازماندند. به همین سبب با دفاع از آلمان و عثمانی در معرض این اتهام واقع شدند که محرک فعالیت آن‌ها آلمان و عثمانی است (مابری، ۱۳۶۹: ۳۴۱). مورخ‌الدوله سپهر در این باره نوشته است:

درحقیقت سازمان‌بخشندگان واقعی جنگل افسران آلمانی و عثمانی بودند که از نیروی ایمان و وطن‌پرستی ایرانیان می‌خواستند برای جلوگیری از پیشرفت سریع قشون روس در شمال استفاده نمایند و با جنگ‌های پارتیزانی خار راه مهاجمین باشند و بدین علت به جنگلی‌ها کمک‌های مادی و معنوی می‌نمودند (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۸۵).

بعضی پیشرفت‌های نظامی آلمانی‌ها به‌گونه‌ای جنگلی‌ها را تحت تأثیر قرار داد که به‌وضوح اعلام کردند:

من بعد مرکز عالم نه لندن و نه پاریس است. پان ژرمانیزم با قدم‌های دیوآسامی‌زند، می‌شکند و می‌رود و خواهد رفت و نقشه عالم را هر طور که میل خودش است تعیین خواهد کرد ... این امری است محقق (جنگل، ۹ ب: ۷).

به‌رغم این تحلیل احساسی درباره دگرگونی‌های آینده بین‌المللی، که به برکناری سردبیر روزنامه منجر شد (شاکری، ۱۳۸۶: ۱۸۱)، مواضع آن‌ها درباره دشمنی‌های انگلستان و برنامه‌هایشان درباره ایران ادامه داشت. در نگاه جنگلی‌ها از سالیان گذشته هیچ‌گونه صدقاتی در سیاست انگلستان نسبت به ایران مشاهده نمی‌شد، بنابراین، پس از سقوط دولت تزاری:

دولت انگلیس نه‌تنها رویه سابق خود را فراموش نکرده است بلکه علاوه بر پلیس جنوب به خیال تأسیس پلیس در نقاط دیگر حتی شمال ایران برآمده است (جنگل، ۲۶ ب: ۲).

جنگلی‌ها مردم را به هوشیاری بیشتر نسبت به سیاست‌های جدید انگلستان و مقابله مستقیم با انگلیسی‌ها فرا خواندند:

ایرانی‌ها حالا فهمیدید که تنها دشمن شما انگلیس است ... پس چرا آرام گرفته‌اید؟ چرا آسوده نشسته‌اید؟ قسم به مقدسات الهی که اگر ایرانی‌ها هریک به قدر نصف قوه خود

عبدالله متولی ۱۰۷

برای مدافعه حاضر شوند صفحه ایران از لوٹ وجود کثیف تمام دشمن‌ها پاک و ایران از آن ایرانی‌ها خواهد شد (جنگل، ۲۶ الف: ۵).

روزنامه جنگل درباره عملکرد روس‌ها نیز سیاست مشخص و معینی داشت. انتقاد سرسختانه از عملکرد و همدستی روسیه تزاری با انگلیسی‌ها در تخریب ایران بخشی از نوشته‌های روزنامه است، اما با وقوع انقلاب در روسیه انتقاد به خوش‌بینی و تعریف تبدیل شد:

لطایف غیبیه نگذاشت که خاموش‌کننده عدالت شب را سحر کند. امیدواری‌ها کامل، دست طبیعت برای انتقام از آستین مردانه روسیه بیرون آمد. ... موفقیات ملت روس به قدری به امید ایرانیان افزود که هیچ‌یک از عناصر ایرانی نتوانستند از اظهار شغف خودداری کنند (جنگل، ۱ د: ۳).

آشفستگی و بی‌بندوباری نیروهای روسیه در ایران باعث شد تا روزنامه جنگل نگرانی خود را از این شرایط پنهان نکند و به انحای مختلف بلشویک‌ها را برای عمل به وعده‌هایشان مخاطب قرار دهد:

ما از روسیه آزاد چه انتظار داریم؟ ما منتظریم روسیه آزاد زیاده بر این آلت اجرایی انگلیس نشده، ایران را از عساکر خود خالی نماید (جنگل، ۱۱ ب: ۳).

امید جنگلی‌ها به بلشویک‌ها زمینه‌های مساعدی را فراهم کرد تا ارتباطاتی بین طرفین برقرار شود؛ روزنامه به سفر ارژنیکیدزه (Orjonikidze) و براوین (Brovin)، دو تن از چهره‌های شاخص انقلاب بلشویکی، به جنگل و ملاقات با سران اتحاد اسلام اشاره و هدف این ملاقات را به دست آوردن حقوق ایرانیان و ایجاد مناسبات دوستانه بیان می‌کند:

از صفحات شمالی دیگر کسی در پی محو استقلال وطن عزیز ما بر نخواهد آمد (جنگل، ۱۱ الف: ۳).

پس از این ملاقات‌ها و درحالی‌که دولت ایران هنوز برای موضع‌گیری در قبال انقلاب بلشویکی روسیه سردرگم بود، بلشویک‌ها براوین را در سمت سفیر به تهران فرستادند؛ این در حالی بود که سفیر تزاری در تهران هنوز خود را سفیر رسمی روسیه می‌دانست. به رسمیت‌نشناختن براوین در تهران با عکس‌العمل روزنامه جنگل مواجه شد:

مسیو براوین سفیر دولت بلشویک مدتی است در طهران مقیم و گویا دولت ایران هنوز او را به رسمیت تصدیق ننموده، این سیاست بی‌رویه جالب و باعث حیرت است. اگر دلیشان

این باشد که دولت بلشویک هنوز منعقد نشده پس دولت سابقه که ابداً وجود ندارد چرا سفیرش را به رسمیت می‌شناسید (جنگل، ۲۶ الف: ۵).

آن‌ها دولت را مخاطب قرار دادند که هرچه سریع‌تر برای ایران مخرب است، گوش ندهد (همان).

در حال رویکردهای جنگلی‌ها درباره عملکرد روسیه و انگلیس هر چند همراه با واقع‌بینی بیشتری بود، خالی از لغزش نبود. در نگرش آن‌ها ریشه تمام دردهای جامعه ایران اعم از بی‌عملی و جهالت و فقر و فلاکت هر چند به مداخلات روسیه و انگلیس بازمی‌گردد، علت‌العلل تمامی این دردها «جلادان ساحل تیمس و ساکنان نوع‌آزار جزایر بریتانی هستند (جنگل، ۲۹: ۱).

آن‌ها با تحریک احساسات عمومی بر ضد انگلیسی‌ها به خوبی به وظایف انقلابی خود عمل می‌کردند، اما درباره بلشویک‌ها نتوانستند به تحلیلی منطقی و اساسی دست یابند و با دل‌سپردن به وعده‌های آنان از برنامه‌های آینده‌شان غافل شدند. هر چند عمر روزنامه چندان ادامه نیافت تا هجوم بلشویک‌ها به سواحل گیلان را منعکس کند - رویدادی که می‌توانست در بررسی و ارزیابی نوع تحلیل جنگلی‌ها مؤثر باشد - با توجه به همین مطالب می‌توان گفت در مجموع جنگلی‌ها مخالف حضور بیگانگان در کشور بودند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۹۳).

مبانی هویت و دفاع از کارکردهای نهضت جنگل

عمدتاً بنیادی‌ترین و مهم‌ترین مرحله در مسیر حرکت یک نهضت انقلابی، چگونگی شکل‌گیری چهارچوب فکری و رویکرد اساسی بنیان‌گذاران آن نهضت به مقوله‌های مهم هنجاری جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. معمولاً ایدئولوژی یک نهضت و پایبندی به مبانی آن مسیر عمومی حرکت نهضت را مشخص می‌سازد و به قضاوت‌ها و مواضع مخالفان پاسخ می‌دهد. تبیین دقیق الگوی فکری نهضت جنگل نیز بخش عمده‌ای از مأموریت روزنامه جنگل بود و طبیعتاً باید صفحات و بخش‌های زیادی از روزنامه به تبیین ایده‌ها و نظام فکری نهضت اختصاص می‌یافت. بررسی مقالات این روزنامه نشان می‌دهد که روزنامه کمابیش توانسته است وظیفه انعکاس مرام و مسلک جنگلی‌ها را انجام دهد و در مقابل برخی اتهامات پاسخ‌گو باشد. هر چند در این بخش نیز رویکردها و هیجان انقلابی مانع ارائه دقیق و منسجم آرمان‌های اصیل جنگل می‌شد. شاید اهمیت این بخش از نوشته‌های روزنامه در این باشد که برخی از نشریات پایتخت و حتی اشخاص رهبری و اعضای نهضت را به تمرد و

نافرمانی و تجزیه طلبی متهم می کردند (← رعد، ۸۹: ۹؛ عصر جدید، ۴۸: ۱). اما بررسی نگرش روزنامه به موضوع اسلام و ایران و تحلیل آن‌ها از میزان وابستگی به هر کدام از این دو نشان‌دهنده میزان پایبندی آن‌ها به الگوهای واقعی هویت اسلامی - ملی است (فخرایی، ۱۳۵۴: ۵۱). بدون تردید از مسائلی که جنگلی‌ها را در معرض انتقاد قرار می‌داد و به خروج از اصول اساسی ملی متهمشان می‌کرد، نسبت آن‌ها با کانون اولیه نهضت یا هیئت اتحاد اسلام بود. روزنامه جنگل برای توضیح اولویت اتحاد اسلام یا موضوعات ملی - ایرانی در نزد جنگلی‌ها قدم برمی‌داشت، چنان‌که در یکی از شماره‌ها ضمن اشاره به این نکته که «اسم اتحاد اسلام موجب واهمه بعضی خائنین شده است»، نوشت:

... تشکیلات این مملکت و حرکات عمومی این ملت چه در خصوص عوالم مادی و چه معنوی در صدی هشتاد مربوط به دیانت است. این عنوان به همین دلیل انتخاب شده است و الا مقصد این نیست که تمامی عالم اسلام اتحاد کرده با دولت‌های علاقه‌دار عیسوی مذهب طرف بشوند اتحاد اسلامیان در عملیات سیاسی ممکن نمی‌شود هر حکومتی بایستی مطابق مزاج عادات و اخلاق ملت خود باشد (جنگل، ۲۳: ۶).

نویسنده مقاله ضمن ابراز دل‌بستگی جنگلی‌ها به اسلام به هدف اصلی آن‌ها اشاره می‌کند: مقصود هیئت جنگل گیلان مانند آفتاب روشن و واضح است آن هم استقلال ایران و سعادت ایرانیان است و بس (همان: ۷).

در کنار ابراز دل‌بستگی جنگلی‌ها به دیانت اسلام کمابیش اکثر شماره‌های روزنامه بر پایبندی جنگلی‌ها به شعائر ملی تأکید می‌کرد و مباحث تجزیه طلبی با عکس‌العمل روزنامه مواجه می‌شد (جویدت، ۱۳۵۱: ۵۲).

در شماره‌ای از روزنامه با تقبیح شدید مقاله‌ای از روزنامه‌های بادکوبه که میرزا کوچک خان را حکمران خوانده بود، چنین آمد:

... کدام حق‌کشی بالاتر از این است که یگانه فرزند رشید غیور اسلام و ایران حضرت آقا میرزا کوچک خان را که به‌جز حفظ اساس دیانت و احترامات تامه شئون دولت حالیه ایران و ترقیات آتیه و تأمین شرف و ناموس ایرانیان قصدی ندارند به چه عنوانات توهین‌آمیز جلوه می‌دهد (جنگل، ۵: ۳).

در شماره‌ای دیگر نیز در پاسخ به افراد ناشناسی که جنگلی‌ها را متمرّد و استقلال طلب معرفی می‌کردند، این ادعاها را مضحک می‌خواند و ریشه چنین افکاری را به انگلیسی‌ها نسبت می‌داد (جنگل، ۱۳ الف: ۱).

حساسیت کارکنان روزنامه به مباحث تجزیه‌طلبی و اعلام برائت از آن در واکنش به نام‌گذاری آذربایجان قفقاز به‌خوبی مشهود است. آن‌ها ضمن انتقاد شدید به این نام‌گذاری خطاب به ساکنان قفقازیة جنوبی چنین می‌گویند:

همه فارسی‌نژاد، همه ایرانی‌الاصل ... همه چیزشان ایرانی است اما امروز اسم آذربایجان را بر خود گذاشت، چرا؟ به چه قیمت؟ تسمیه به این اسم و عنوان به خود دادن بالاجبار خیال ما را متوجه به یک سری از اسرار مهمه سیاسی که مدت‌هاست مطلعیم می‌نماید که انصافاً نمی‌توان در قبال این نکته لاقید ماند (جنگل، ۲۴: ۱).

به‌هرصورت کاربرد وسیع واژه‌های ایرانی، ایرانیت و تحرکات ملی‌نشانی از اصولی‌بودن شعارهای ملی نزد جنگلی‌هاست. کمابیش روزنامه سعی داشت این ویژگی‌ها را در همه شماره‌ها نشان دهد تا از واردشدن هرگونه خدشه بر نگرش ملی‌نهضت‌مانعت کند «هیئت مؤسس این نامه ملی ایرانی‌نژاد و طرفدار حقوق و مطیع قانون است» (جنگل، ۱ الف: ۱)، در ادامه همین مطلب برای نشان‌دادن خط‌مشی گردانندگان روزنامه به دو نکته اساسی تأکید شده است:

داشتن تبار اصیل ایرانی و اعتقاد اصیل به موجودیت ملی کشور از مهم‌ترین موارد ذکرشده است (همان).

در جایی دیگر مجدداً این مبحث را مطرح می‌کند:

نقطه‌نظر نهضت جنگل اصلاح ایران، رفع تعدی همسایگان، صیانت تاج و تخت کیان، حفاظت مدفن نیاکان و انجام آخرین درجات و وظایف ایرانیت است (جنگل، ۱۳ الف: ۲).

عوامل فروپاشی ساختار جامعه ایران

از مباحث مطرح‌شده در شماره‌های متعدد روزنامه جنگل آسیب‌شناسی جامعه ایران است. به‌زعم نویسندگان علاوه‌بر حضور و نفوذ بیگانگان که عامل اساسی و مهم در ایجاد شرایط بحرانی در ایران محسوب می‌شد، برخی نگرش‌ها و عملکردها هم در ایجاد نقایص و بروز مصائب و مشکلات کشور حائز اهمیت بود. البته روزنامه در مواردی به راه‌های برون‌رفت از این شرایط و چگونگی غلبه بر ناملایمات اشاره می‌کند، اما مجموع پیشنهادهای ارائه‌شده فاقد الگوی مشخص و منسجم و برگرفته از ایده‌های انقلابی، خواهان رویارویی با عوامل بحران‌زا براساس تکاپوهای انقلابی بود.

ظاهراً روزنامه در ترسیم فضای عمومی کشور، که در بخش‌های متعددی به آن تأکید و توجه شده است، الزامی بودن اصلاحات را یادآور شده است:

... مملکت خراب، ملت دچار فلاکت، ثروت معدوم، تجارت مفقود، امنیت مسلوب، فقر عمومی سرتاسر ایران را فراگرفته، اجانب بر وطن مستولی و ... (جنگل، ۲: ۳-۱۰).

روزنامه در بیان ریشه‌های پیدایش و ادامه چنین شرایطی در جامعه ایران به عملکرد برخی رجال انتقاد کرد. وابستگی به بیگانگان و سودجویی و پول‌پرستی اتهامات اصلی کسانی بود که در نگرش روزنامه عامل بدبختی ایران بودند. به همین سبب در منظومه فکری کارگردانان روزنامه رجال در دو گروه خادم و خائن طبقه‌بندی می‌شدند که البته به سبب این‌که چهره‌های خادم و مستقل معدود بود تلاششان به ثمر نمی‌رسید، درحالی‌که عناصر خائن و بدخواه پیوسته در راه آن‌ها سنگ‌اندازی و مصادر قدرت را تصاحب می‌کردند؛ به همین سبب،

وزارت و حکومت در میان یک عده اشخاص معین حالت دوری پیدا نموده ... مگر چند نفر هستند که حقاً مقام خود را اشغال کنند ... در ایران قحط‌الرجال است (جنگل، ۲۱ الف: ۴-۵).

در شماره‌های متعددی که علل ناکامی و عقب‌ماندگی ایران را توضیح داده است، از افرادی مانند سپهسالار، وثوق‌الدوله، قوام‌السلطنه، سعدالدوله، سردار منصور، فرمانفرما، ظل‌السلطان، شعاع‌السلطنه، شیخ خزعل، سردار ارفع، قوام‌الملک، و صارم‌الدوله نام می‌برد (جنگل، ۴: ۲). زبان روزنامه در توصیف رفتار این افراد در مواقعی تند و گزنده است:

مگر همین قوام‌السلطنه و برادر گرامی او به متابعت اسلافشان صفحات تاریخ ایران را به خیانت‌های صریحی که گمان نداریم منصفانه بتوان انکار نمود لکه‌دار نکردند (جنگل، ۱۷: ۳).

روزنامه پس از آن‌که در شماره‌های متعدد، از نقش این افراد در انعقاد قرارداد با اروپاییان، دریافت رشوه‌های کلان، و بی‌تفاوتی نسبت به حل مشکلات کشور انتقاد می‌کند، تصفیه و پالایش امور اجرایی از وجود این افراد را چاره مشکلات برمی‌شمرد. اما چون می‌داند خواسته‌هایشان مورد تأیید مرکز نیست، مجازات را برای آن‌ها پیشنهاد می‌کند؛ زیرا مدعی است که اعمال این افراد مملکت را به این تیره‌بختی و فلاکت مبتلا کرده است،

باین‌حال تا امروز یک محکمه در مملکت تشکیل نشد که گذشته آن‌ها را بررسی کند و برای ترک هرزه‌گی‌های آینده آن‌ها تدبیری اتخاذ نماید (جنگل، ۲۵: ۲).

شاید به سبب همین ناامیدی است که روزنامه در برخی قسمت‌ها عملکرد کمیته مجازات را تحسین می‌کند. گو این‌که از اعمال تروریستی دوری می‌جوید، عملکرد کمیته مجازات در ترور عبدالحمید خان متین السلطنه و منتخب‌الدوله را تمجید می‌کند (جنگل، ۴: ۳). از نظر روزنامه متین السلطنه کسی بود که به نفع انگلیسی‌ها در ایران می‌نوشت و سزای او مرگ بود (همان). در ادامه همین روند پس از بازداشت اعضای کمیته مجازات، روزنامه ضمن تقبیح پدیده ترور شیوه نظمی در بازداشت و نگهداری اعضای کمیته را سرزنش کرد (جنگل، ۲۵: ۱).

به هر صورت تنها راه برون‌رفت از شرایط موجود اقدام انقلابی است و به زعم روزنامه:

دست موقع شانس و قضا امروز شمشیر انتقام را به دست ما داده موقع جزای این بدکرداران را برای ما تهیه کرده و به تمام افراد ما مدلل داشته که این کشور قدیم اصلاح نمی‌شود مگر به محو این ناکسان (جنگل، ۲۱ ج: ۲).

سستی و دوری از روح ایرانی عامل دیگری در پریشانی اوضاع ایران بود که روزنامه بر آن تأکید می‌کرد:

... نه کشمکش‌های داخلی و نه تهدیدات خارجی هرگز در اصلاحات موانع حقیقی نبوده و نخواهد بود اصل موانع را در ضعف روحی ما باید جست (جنگل، ۱۳ ب: ۶).

روزنامه در بخش‌های دیگر عامل این تیره‌روزی را فساد اخلاق عمومی می‌داند (جنگل، ۱۰: ۳). در مقاله‌ای مفصل روزنامه ضمن ارائه تحلیلی از تاریخ ایران بیان می‌کند که ایرانیان در گذشته اخلاق‌مدار و متصف به روح ایرانی بودند، اما از زمانی که کشور در معرض تهاجم ملل بی‌اخلاق قرار گرفت دچار فساد اخلاقی شدند و روح خود را از دست دادند (جنگل، ۱۶ الف: ۶). راهکارهای پیشنهادی روزنامه برای رهایی از این شرایط همانند سایر دستورات عمل‌ها قیام و حرکتی انقلابی بود و این‌که برای وصول به این مقصود «فداکاری لازم است» (جنگل، ۲۱ الف: ۵).

نتیجه‌گیری

روزنامه جنگل، ارگان نهضت جنگل، برای ترویج و تبیین و اشاعه نگرش و افکار این نهضت منتشر می‌شد. پایبندی نهضت جنگل و جنگلی‌ها به ساختار سیاسی موجود، که برخاسته از مطالبات مشروطه‌خواهی بود، خط‌مشی اساسی نهضت و جزء اولویت‌های

نخست روزنامه بود. تأکید بر تبعیت از شاه مشروطه و قانون اساسی؛ حمایت از کابینه‌های وطن‌پرست؛ تلاش برای نظارت بر عملکرد کابینه؛ مطالبه اجرای اصلاحات و انجام انتخابات مجلس شورای ملی؛ و زدودن ادارات دولتی از افراد نالایق در مقالات متعدد روزنامه مشهود است. قدرت‌های جهانی به‌خصوص روسیه و انگلیس با مواضع تند و محکم روزنامه مواجه شدند، خواست اصلی گردانندگان روزنامه خروج قطعی بیگانگان از کشور بود؛ زیرا با خروج آن‌ها بخش زیادی از مشکلات داخلی برطرف می‌شد.

نکته دیگری که سخت مورد توجه روزنامه بود و در اشاعه آن بسیار تلاش می‌کرد، دفاع از اقدامات، برنامه‌ها و رویکردهای اسلامی - ملی نهضت جنگل بود. تأکید بر مؤلفه‌های ملی و تمایلات ایرانی‌خواهی نهضت از ویژگی‌های بارز بیشتر مقالات روزنامه بود. همچنین از منظر آسیب‌شناختی، مسائلی همچون خیانت و فساد و رشوه‌خواری چهره‌های عالی حکومتی در کنار سستی و زوال روح ایرانی‌گری در بین ایرانیان از عناصر مهم زوال جامعه محسوب می‌شد. روزنامه تلاش می‌کرد شرایط نامساعد و بحرانی ایران را آشکارا بیان کند و ضمن برشمردن علل و عوامل پیدایش این نابسامانی‌ها، راهکارهای ممکن را برای غلبه بر شرایط پیش‌آمده ارائه کند. مجموع راهکارهای پیشنهادی برگرفته از الگوهای انقلابی و رفتارهای عمل‌گرایانه بود.

در ارزیابی عملکرد روزنامه باید گفت بخشی از تحلیل‌ها و تبیین‌های آن مبتنی بر شرایط واقع بود و به همین سبب جنبه روشننگری مطلوبی داشت. اما به‌نظر می‌رسد نبود نویسندگان سرشناس و چهره‌های علمی در میان نویسندگان روزنامه و نبود امکانات چاپ و نشر، در عمل سبب شد تا مقالات روزنامه در مواردی از عمق و دقت لازم بی‌بهره باشند و جنبه‌های شعاری و تکراری آن‌ها به‌وضوح مشهود باشد. درحقیقت آسیب‌شناسی‌ها و راهکارهای مطرح‌شده وضوح و نظم مشخصی نداشت. در بیشتر مواقع در بررسی ریشه‌های بحران، عوامل متعددی را علت‌العلل می‌دانستند، یا در مطالبات اصلاحی از حکومت مرکزی چگونگی اجرای راهکارهای مطرح‌شده را به‌دقت مشخص نمی‌کردند. بااین حال تمامیت روزنامه نگرشی مترقی و روندی روبه‌جلو داشت.

منابع

باتامور، تام (۱۳۶۶). *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: کیهان.
جنگل (۱۳۳۵ ق). «اخبار حیرت‌انگیز»، ش ۱۳ الف.

- جنگل (۱۳۳۵ ق). «اخلاق ما فاسد است»، ش ۱۰.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «افاده مرام»، ش ۱ الف.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «افسانه پرشور»، ش ۴.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «اما از جنوب ایران»، ش ۱۱ الف.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «اولین اقدام برای حسن جریان انتخابات»، ش ۱ ب.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «به قلم یکی از شاگردان مدرسه کسما»، ش ۲.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «تلگراف»، ش ۱ ج.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «تلگراف»، ش ۶ الف.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «جشن شایان تمجید»، ش ۳ الف.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «درخواست فعلیت»، ش ۱ د.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «سروش اتحاد و سرود برادری»، ش ۶ ب.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «شتاب در اصلاحات»، ش ۷ الف.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «فضیلت‌های سیاست»، ش ۱۳ ب.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «قول را فعل لازم است»، ش ۱۱ ب.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «کابینه حاضر چگونه است»، ش ۹ الف.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «کارهای ایران»، ش ۵.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «مرام هیئت اتحاد اسلام»، ش ۷ ب.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «مقاصد انگلیس در جنوب ایران»، ش ۹ ب.
- جنگل (۱۳۳۵ ق). «مکتوب وارده»، ش ۳ ب.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «افساد قنسول انگلیس در رشت»، ش ۱۸ الف.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «افسانه دیرین یا نقل شیرین»، ش ۲۴.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «آیا وجود ناقص به از عدم صرف است»، ش ۱۷.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «ایران معارف ندارد یعنی هیچ ندارد»، ش ۲۱ الف.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «بدکاران را باید مجازات داد»، ش ۲۵.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «بیان‌نامه»، ش ۲۳.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «تلگراف به عموم ایالات و ولایات و ایلات و عشایر»، ش ۲۶ ب.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «تلگراف حضور مبارک مستوفی‌الممالک»، ش ۲۱ ب.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «تلگراف هیئت اتحاد اسلام»، ش ۱۸ ب.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «تنها دشمن»، ش ۲۶ الف.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «چند کلمه در بیان حق و واقع»، ش ۱۶ الف.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «فداکاری لازم است»، ش ۲۱ ج.
- جنگل (۱۳۳۶ ق). «کابینه جدید، پرده جدید و یک عالم تحیر»، ش ۱۹.

- جنگل (۱۳۳۶ق). «گیلانی فدایی شاه است»، ش ۲۷.
- جنگل (۱۳۳۶ق). «مداخلات حق‌شکنانه انگلیس در تهران»، ش ۱۶ ب.
- جنگل (۱۳۳۶ق). «نظری به اوضاع عمومی»، ش ۲۹.
- جودت، حسین (۱۳۵۱). *یادبودهای انقلاب گیلان*، تهران: درخشان.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*، تهران: عطار.
- رعد (۱۳۳۴ق). ش ۸۹.
- روشه، گی (۱۳۶۶). *تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی*، تهران: نشر نی.
- زاهد، سعید (۱۳۸۱). *جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران*، تهران: سروش.
- سپهر، احمدعلی (مورخ‌الدوله) (۱۳۶۲). *ایران در جنگ بزرگ*، تهران: ادیب.
- شاگری، خسرو (۱۳۸۶). *میاد زخم (جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران)*، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: اختران.
- ضرغام بروجنی، جمشید (۱۳۵۰). *دولت‌های عصر مشروطیت*، تهران: اداره کل قوانین مجلس شورای ملی.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰). *نخست‌وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار*، تهران: جاویدان.
- عصر جدید (۱۳۳۴ق). ش ۴۸.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۴). *سردار جنگل*، تهران: جاویدان.
- مابری، جیمز (۱۳۶۹). *عملیات در ایران*، ترجمه کاوه بیات، تهران: رسا.